| تاریخ دریافت:۱۳۹۴/۳/۷ | تاریخ پذیرش:۱۳۹۴/۱۲/۱۵ |

نقشه جامع تدوین جامعه‌شناسی اسلامی

محمدعارف محبی

کارشناسی جامعه‌شناسی، ارشد کلام و دانش‌آموخته سطح چهار جامعه‌المصطفی

ma.mohebbi2014@gmail.com

چکیده

علم در سیر طبیعی خود بر پایهٔ تقاضاهای تراکم‌یافته شکل می‌گیرد. تکیه‌گاه طبیعی راهبردهای معطوف به تولید علم دینی، اصل «کشش تقاضا» است و ضروری است که اصل «فشار علم» و دخالت ارادی برای تسریع این فرایند، به‌شکل منطقی تنظیم گردد. بر مبنای همین نگرش، سعی شد که در تدوین نقشه جامع برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی، اولاً: تمام مراحل تولید آن، از مرحله فرضیه‌سازی تا مرحله بهره‌وری، به‌عنوان یک کلیت به‌هم‌پیوسته تصویر شود؛ ثانیاً: با توجه به محورهای اصلی رویکردهای فعّال در این حوزه، میدان حضور «همگرایانه» برای همهٔ آن‌ها فراهم گردد. در نهایت ساختار کلی نقشه جامع مورد نظر، بر بنیان اصول و محورهای اساسی «ضرورت و تقاضا»، «تولید و نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری» صورت‌بندی شده‌اند و بر همین اساس، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی مندرج در آن، سازمان‌دهی گردیده‌اند.

کلیدواژه‌ها: علم دینی، جامعه‌شناسی اسلامی، ضرورت و تقاضا، نظریه‌پردازی، بهره‌وری، شبکه نخبگانی.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

مقدمه

تولیـد علـم، از منظـر تاریخ علـم و جامعه‌شناسـی معرفت، پدیده‌ای اسـت که در پاسـخ به پرسش‌های تراکم‌یافته شکل گرفته و عمدتاً در قالب پروسه‌های بلندمدتِ تاریخی و به‌شکل طبیعی سـامان می‌یابد. اما چنین روندی را نباید به‌عنوان قانون محتوم برای تولید علم تفسـیر نمود؛ زیرا در تاریخ علم شواهد فراوانی از قبیل کانت و ابن‌خلدون وجود دارند که به‌شکل آگاهانه و در چارچوب نقشـه‌ای از قبل طراحی‌شـده، علم خویش را تدوین و تولید نموده‌اند. منتها شکی در این نیست که تولید علم در چارچوب برنامه‌ای معین، کار دشـوار و نیازمند نقشه جامعی است که بتوان بر مبنای آن، فرایند تولید علم را به‌شـکل روشن ترسـیم نمود. نقشه جامع، عمدتاً دوره‌های زمانی بلندمدت را پوشـش می‌دهد و برای کشـورهای درحال‌توسـعه که هنوز در مراحل تمهید زیرساخت‌های علم و فنـاوری هسـتند معنادار اسـت (ذاکر صالحـی، ۱۳۸۸: ص۳۱). نقشـه جامع، فراتر از ترسـیم چشم‌انداز آینده در قالب بیان اهداف و اصول راهبردی، نیازمند آن است که به‌عنوان سند بالادستی اسـتحکام منطقی داشـته باشد و در عین‌حال چارچوب مناسـب برای فعالیت مجموعه دیدگاه‌های فعال در عرصه تولید علم نیز به‌حساب آید.

با توجه به نکات فوق، در تدوین نقشـه جامع برای جامعه‌شناسـی اسـلامی، اولاً: سـعی شده اسـت تا میان فرایند طبیعی تولید علم (کشـش تقاضا) و دخالت ارادی (فشـار علم) برای تسـریع این فرایند، به‌شـکل منطقی جمع گردد؛ ثانیاً: تکیه‌گاه‌های محوری مجموعه رویکردهای فعال، از قبیـل رویکردهای «مبناگرا»، «فرامبنا»، «اجتهادی» و «تهذیبی» مدنظر بوده و تلاش شـده اسـت تـا میـدان حضور «همگرایانه» برای همهٔ آن‌ها فراهم شـود؛ ثالثاً: کلیهٔ مراحـل در فرایند تولید علم جامعه‌شناسـی اسلامی، از مرحله فرضیه‌سازی تا مرحله بهره‌وری، به‌عنوان یک کلیت به‌هم‌پیوسته لحاظ شـده اسـت. بر مبنای چنین منطق و ملاحظاتی است که ساختار نقشـه جامع مورد نظر، بر مبنای اصول کلی «ضرورت و تقاضا»، «تولید و نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری» اسـتوار شـده اسـت و بر همین اسـاس، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی مندرج در آن، سامان‌دهی گردیده‌اند.

ضرورت و تقاضا

علم در سـیر طبیعی خود بر بنیاد نیازها و تقاضاهای تراکم‌یافته شـکل می‌گیرد. در تدوین نقشه جامـع برای تولید جامعه‌شناسـی اسـلامی، نباید این الـزام منطقی و ظرفیت طبیعـی نادیده گرفته شـود. از این‌رو، تکیه‌گاه‌های اصلی راهبردها و برنامه‌های معطوف به این مسـئله، باید با محوریت

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

«کشـش تقاضا» نه «فشـار علم»، تعیین و تعریف گردد. بر این اسـاس ضروری اسـت که هرچه بیشـتر، احساس ضرورت و نیاز برای جامعه‌شناسی اسـلامی، در میان جامعه علمی و از آن طریق در سـطح کل جامعه گسـترش یابد. عنصر بنیادین و خاسـتگاه اصلی برای افزایش چنین تقاضایی توجه به نیازهای تمهیدشده در فطرت انسانی است. استعدادهای فطری در تعامل با فضای عمومی جامعه رشد می‌یابد و شکوفا می‌گردد. جامعه‌شناسی اسلامی، مبتنی بر فطرت انسانی است و صرفاً در فضای فرهنگی هم‌سو با کشش‌های فطری انسان‌ها قابل‌تولید و مصرف است.

جامعه‌شناسیِ موجـود از متـن تمایـلات غریـزی انسـان‌ها برخاسـته و در فضـای فرهنگی «غریزه‌مدار» رواج یافته اسـت. به همین دلیل نیازهای بنیادین انسان و جامعه انسانی در آن مغفول مانده اسـت و در تنافی جدی با الزامات زیسـت متعالی انسـان‌ها قرار دارد. فطرت و غریزه، اصول بنیادین و معیارهای عام برای نقد جامعه‌شناسی غربی و تصحیح نیازهای جامعه انسانی برای تدوین «جامعه‌شناسـی نوین» اسلامی محسوب می‌شـود. زیرا علم و عالَم برساخته‌های همدیگرند. علم متناسـب با تقاضاهای موجود در عالَم به‌وجود می‌آید و به تصحیح کاسـتی‌ها و نارسایی‌های عالَم کمک می‌کند و به مهندسـی علمی آن می‌پردازد. نقد جامعه‌شناسـی موجـود و تلاش برای تدوین جامعه‌شناسـی جدیـد، به‌ترتیب معطوف به نفی نیازهـای معیوبِ صرفاً غریـزی و تقویت نیازها و تقاضاهای فراگیر فطری غریزی است.

نقد جامعه‌شناسی موجود

جامعه‌شناسـی، علم مهندسـی اجتماعی اسـت؛ طرح مهندسـی جامعه معطـوف به اهداف، اوضاع و شرایط اجتماعی معنا می‌یابد. علم جامعه‌شناسی برای حل مسائل و بحران‌های فراگیر در غرب متجدد به‌وجود آمد و بیشـتر درمانگر و کمتر سـازنده بود. امروزه که بحران‌های تجدد شدت یافته اسـت و از پایان تجدد سخن گفته می‌شود، علوم اجتماعی نیز وارد مرحله‌ای تازه گردیده و در نقد این جهان به تفکر پست‌مدرن میل کرده است (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ص۴۹). همان‌گونه که دانش مدرن به‌دلیل ابتنا بر بنیان‌های معیوب فلسـفی، در تبیین مسـائل جوامع انسـانی عاجز ماند، تفکر پسـت‌مدرن آشـفته‌تر از آن اسـت که توان مهندسی منطقی جامعه بشـری را داشته باشد. نقد جامعه‌شناسی موجود هرچند از جهات مختلف مهم است، اما برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی، نقش مبنایی و حیاتی دارد. زیرا بدون درک صحیح از هویت دانشِ موجود نمی‌توان از اندیشه تولید علم جدید به‌درسـتی دفاع کرد (بستان، ۱۳۷۸: ص۹). چه اینکه جامعه‌شناسی اسلامی، نه تنها با اثبات ناکارآمدی جامعه‌شناسـیِ موجود موضوعیت پیدا می‌کند که اساساً متناظر با آن شکل گرفته

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

است و استحکام می‌یابد.

الف. اهداف نقد

علـم دینی در درون عالَم دینی شـکل می‌گیرد و ایـن عالَم وقتی به‌وجود می‌آیـد که عالَم قبلی بی‌اعتبـار گردد (رهداد، ۱۳۹۲: ص۳۲۴-۳۲۵). بـرای عبور از عالَم و علوم مدرن، باید آن‌ها را با تمام زمینه‌هایی که دارند به‌صورت یکپارچه بشناسـیم (پارسـانیا، ۱۳۹۱: ص۲۶۴). اهداف مورد نظر در این قسـمت با توجه به هدف اصلی یعنی بی‌اعتبارسـاختن دنیای مدرن و بسترسـازی برای تدوین و اسـتحکام جامعه‌شناسـی اسـلامی، عبارت اسـت از: یک: تبیین کاسـتی‌های «مبانی»، «روش» و «پیامدهـای بهره‌وری» از جامعه‌شناسـی موجود برای جوامع بشـری، به‌خصوص برای کشـورهای درحال‌توسعه و امت اسـلامی؛ دو: تقویت بنیادهای علمی نخبگان از طریق آشنایی با فرایند شـکل‌گیری، تحولات و محتوای علمی جامعه‌شناسـی مدرن در دنیای غرب؛ سه: شناسایی جریان‌های فراملی (منطقه‌ای و بین‌المللی) هم‌سـو با تولید جامعه‌شناسـی اسـلامی و اسـتفاده از ظرفیت‌های علمی آن‌ها و اجتناب از تکرار کارهای انجام‌شده.

ب. اصول راهبردی نقد

اصول راهبردی، ناظر به تحقق اهداف مورد نظر، تعریف و طراحی می‌شـوند. راهبردها؛ نقشـهٔ راه و اصول اسـتراتژیک برای رسـیدن به اهداف‌اند؛ اهداف، امور کلی و انتزاعی هسـتند. راهبردها در سـطح انتزاعـی انضمامی طراحی گردیده‌اند و ظرفیت بیشـتری برای تبدیل‌شـدن به برنامه‌های عملیاتی دارند؛ راهبردها در واقع اصول راهنما برای طراحی و تدوین برنامه‌های عملیاتی محسوب می‌شـوند. در تدوین «نقشه جامع جامعه‌شناسی اسلامی» سعی می‌شود کلیه محورهای مورد نظر بـر همین مبنا، سـاختاربندی گردد. با توجه به اهداف نقد جامعه‌شناسـی موجـود، اصول راهبردیِ معطوف به آن را می‌توان در قالب محورهای زیر تعریف و دسته‌بندی نمود:

۱) شناسایی اهرم‌های نقد

مراد از اهرم‌های نقد، اصول و عناصر بنیادینی اسـت که ساختمان جامعه‌شناسی غربی بر بنیان آن‌ها بنا گردیده است و با فروریختن آن‌ها، این بنا نیز فرومی‌ریزد. با دقت در ساختار جامعه‌شناسی موجود، محورهای ذیل عهده‌دار چنین نقشی می‌باشند:

- **در حـوزه مبانـی:** انـکار حقایق فراتجربی (خاکـی قراملکـی، ۱۳۹۲: ص۲۳۴) و تقلیل

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

واقعیت هستی به عالم ماده؛ تنزیل شأن انسان و جامعه انسانی؛ ناتوانی در خلق نیازهای متعالی و متناسب با منزلت تکاملی و... (رهداد، ۱۳۹۲: ص۳۲۶)؛

- **در حوزه روش:** واقع‌نمایی معیوب و ناقص از واقعیت اجتماعی به‌دلیل ابتنا بر ماتریالیسم روش‌شناختی و اصالت‌دادن به حس و تجربه (پیروزمند،۱۳۹۱: ص۴۰۳)؛ نسبیت‌گرایی در پارادایم‌های تفسیری، انتقادی و پارادایم‌های پست‌مدرن: گفتمانی، پساساختارگرایی و هرمنوتیکی (خسروپناه، ۱۳۹۱: ص۳۰۸-۳۰۶)؛
- **در حوزه غایت‌شناسی:** ترویج لذت‌گرایی حسی (واسطی، ص۱۳۹۱: ۷۷۸) و غفلت از نیازمندی‌های فطری و متعالی انسانی؛ به این معنا که در جامعه‌شناسی موجود، شکلی از زندگی، مطلوب تلقی می‌گردد که قطعاً مطلوب ما نیست (کچویان، ۱۳۹۱: ص۳۷۴)؛
- **در حوزه بهره‌وری:** ناتوانی در حل دغدغه‌های اصلی بشریت، از قبیل امنیت، عدالت، آزادی، رفاه و... (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص۴۰۳)؛ ناتوانی مضاعف در حل مسائل جوامع غیرغربی، به‌دلیل ورود ناقص در این جوامع و تفاوت مسائل جامعه غربی با مسائل جامعه اسلامی (پیروزمند، ۱۳۹۱: ص۴۰۱-۴۰۰).

۲) شناسایی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های هم‌سوی فراملی

- استفاده از تجربه‌ها و ظرفیت‌های جریان‌های فعال برای بومی‌سازی یا دینی‌سازی (منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای) جامعه‌شناسی.

۳) شناسایی و نقد وضعیت جامعه‌شناسی در ایران

- تبیین کاستی‌های آموزشی: گرایش‌ها، سرفصل‌ها، اساتید و...؛
- تبیین کاستی‌های ترویجی و پژوهشی: ترجمه و تدوین کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، مجلات و... .

ج. برنامه‌های عملیاتی

۱. برنامه‌های کوتاه‌مدت

- **اولویت اول:** تدوین نقشه جامع از مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی در غرب به‌منظور مدیریت نهضت ترجمه و نقد در داخل کشور؛

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

- **اولویت دوم:** تدوین نقشه جامع از وضعیت موجود جامعه‌شناسی در کشور؛
- **اولویت سوم:** نقد هرم‌های مکاتب و نظریه‌های رایج جامعه‌شناسی در کشور؛
- **اولویت چهارم:** تدوین نقشه جامع از نیازمندی‌های علمی و عملی جامعه اسلامی به گرایش‌های جامعه‌شناسی موجود؛ به‌منظور مدیریت نظام آموزشی و پژوهشی و تشخیص‌دادن اینکه آموزش و پژوهش در کدام بخش‌ها و با چه گرایش‌های در عین‌حال که نیازهای اجتماعی را در کوتاه‌مدت و میان‌مدت مرتفع می‌سازد، تدوین جامعه‌شناسی اسلامی را در بلندمدت نیز تسهیل می‌کند یا حداقل آن را به تأخیر نمی‌اندازد.

۲. برنامه‌های میان‌مدت

- **اولویت اول:** مدیریت نیازمندی‌ها و بهره‌وری از جامعه‌شناسی به‌منظور تضعیف دیدگاه‌های متضاد با ارزش‌های دینی؛
- **اولویت دوم:** ایجاد تعامل با جریان‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ایِ منتقد جامعه‌شناسی موجود؛
- **اولویت سوم:** نقد کلیت مبانی فلسفی و روشی جامعه‌شناسی غربی.

۳. برنامه‌های بلندمدت

- **اولویت اول:** اجتناب از بهره‌وری عناصر ناسازگار تمدن غربی با ارزش‌های اسلامی؛
- **اولویت دوم:** نقد مبانی تمدن غربی؛
- **اولویت سوم:** نقد سبک زندگی در دنیای مدرن؛
- **اولویت چهارم:** هم‌سویی با مجموعه جریان‌های منتقد تمدن غربی به‌منظور عبور از عالَم غربی.

تبیین جامعه‌شناسی مطلوب

معیوب‌دانستن جامعه‌شناسی موجود بر مبنای معیارهای نظام معرفتی اسلام، مستلزم تولید جامعه‌شناسی مطلوب اسلامی است. هرچند عده‌ای معتقدند که با تصرف جزئی، اصلاح و تهذیب می‌توان جامعه‌شناسی معیوب موجود را ترمیم و تکمیل نمود؛ اما جریان غالب با رویکرد تصرف کلی، درصدد تدوین علم جدید است. تدوین علم جدید دینی، نیازمند عالَم دینی است. عالَم دینی با آرایش و پیرایش دین ساخته نمی‌شود، بلکه برای رسیدن به آن باید راهی برای بیرون‌شدن از جهان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

غیردینی جست؛ این بیرون‌شدن وقتی ممکن می‌شود که طرحی از مدینهٔ الهی، جان و دل مردمان را تسخیر کرده باشد (داوری اردکانی، ۱۳۸۲: ص۳۴). در چنین شرایطی است که بستر مناسب برای تولید جامعه‌شناسی اسلامی فراهم می‌گردد.

عالَم دینی به‌صورت اجمالی همان «عالَم فطرت بشری» است. بشر در هنگام تولد هرچند اندیشه ندارد، اما گرایش دارد؛ نقطه مرکزی این گرایش‌ها، خداوند است. انسان‌ها به دنیا آمده‌اند تا این گرایش‌ها را تبدیل به عمل کنند و هرگاه آن عمل تبدیل به ملکه شد، عالَم فطرت بسط یافته است و تبدیل به عالَم زندگی در سه سطح فرد، جامعه و تاریخ می‌شود (رهداد، ۱۳۹۲: ص۳۱۴). گزاره‌های گرایشی در فطرت، زمینه‌ساز گزاره‌های شناختی می‌شود، به این صورت که فطرت نیازهایی می‌آفریند که برطرف‌کردن آن‌ها مستلزم شناخت و علم است. پس از انباشت شناخت‌هاست که عمل صورت می‌گیرد (رهداد، ۱۳۹۲: ص۳۱۵). هرگاه علم جامعه‌شناسی بر بنیان فطرت انسانی تولید شود، دینی است و به انبساط و استحکام جامعه مطلوب انسانی کمک می‌کند.

الف. اهداف تبیین

تولید جامعه‌شناسی اسلامی، غیر از بی‌اعتبارکردن عالَم غیردینی و تراکم‌یافتن پرسش‌های جامعه‌شناختی، نیازمند عالَم اسلامی و حل پرسش‌های پاسخ‌نیافته است. در فرایند نقد جامعه‌شناسی مدرن سعی می‌شود که با خلق پرسش‌های بیشتر، تردیدهای جدی‌تری به علم‌بودن آن، در ذهنیت علمی جامعه ایجاد گردد. اما در تبیین جامعه‌شناسی مطلوب باید کوشید تا ظرفیت و توانمندی آن، در حل پرسش‌های ایجادشده آشکار شود. بر این اساس اهداف مورد نظر در این قسمت عبارت است از: ۱. تبیین ظرفیت‌های نظام معرفتی اسلام، در تمهید «مبانی» و «روش» جامع علمی، برای جامعه‌شناسی مطلوب؛ ۲. تبیین و آشکارسازی «آثار بهره‌وری» از جامعه‌شناسی اسلامی، برای بهبود و تعالی حیات اجتماعی؛ ۳.تبیین ضرورت جامعه‌شناسی اسلامی برای تقویت و تحکیم جامعه توحیدی و در نهایت ایجاد تمدن اسلامی.

ب. اصول راهبردی تبیین

۱. تبیین ظرفیت اسلام برای تأسیس جامعه‌شناسی اسلامی

- **هستی‌شناسی:** تبیین عالم هستی، (هستی انسان و جامعه) به‌منظور آشکار ساختن پیوند

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

عالم انسـانی با عالم ملکوت و حقیقت هسـتی و در نهایت بسترسـازی برای فهم سعادت واقعی آدم‌ها؛

- **معرفت‌شناسـی:** تبیین حقیقت فطرت و گرایش فطری حقیقت‌جویی (پارسـانیا، ۱۳۹۱: ص۲۶۵) به‌عنوان مبنای علم عام و جهان‌شمول اسلامی؛
- **دین‌شناسی:** تبیین حقیقت دین و منابع متکثر تمهیدشده در نظام معرفتی آن؛
- **تاریخ تفکر اجتماعی مسـلمین:** آشـنایی با میراث غنی اندیشـمندان مسـلمان در حوزه مطالعات اجتماعی.

۲. تبیین نیازمندی جامعه اسلامی به جامعه‌شناسی اسلامی

- جامعه اسلامی و نیازمندی به ارزش‌های متعالی دین؛
- جامعه اسلامی و نیازمندی به طراحی الگو و سبک زندگی دینی؛
- مدیریـت تحولات و تغییرات اجتماعی در راسـتای تقویت جامعـه توحیدی و تولید تمدن اسلامی.

۳. تبیین کاستی‌ها در چگونگی طرح جامعه‌شناسی اسلامی

- ابهام‌زدایی از عنوان و ماهیت جامعه‌شناسی اسلامی؛
- آسیب‌شناسـی از چگونگی ورود و طرح جامعه‌شناسی اسلامی در مراکز علمی حوزوی و دانشگاهی.

ج. برنامه‌های عملیاتی

برنامه‌های عملیاتی تبیین جامعه‌شناسـی مطلوب، شامل مجموعه برنامه‌های مربوط به تدوین و عرضـه آن نیز می‌گردد. به‌همین دلیل در این قسـمت صرفاً به برخـی از برنامه‌های کوتاه‌مدت که ارتباط مستقیم با تشدید تقاضا برای جامعه‌شناسی اسلامی دارد، اشاره می‌شود:

- **اولویت اول:** طراحی الگوی جامعه مطلوب اسـلامی، بر مبنای معیارها و شـاخص‌های قابل‌سنجش؛
- **اولویت دوم:** برنامه‌ریزی مدون به‌منظور تقویت گرایش به الگوی جامعه ایدئال اسلامی، در سطح جامعه؛
- **اولویـت سـوم:** تدوین نقشـه جامع از ظرفیت‌هـای موجود در منابع دینـی و تاریخ تفکر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

مسلمین به‌منظور تقویت گرایش به تولید جامعه‌شناسی اسلامی.

تولید و نظریه‌پردازی

تولید علم به‌معنای تغییر مرزهای دانش در یک رشته علمی است. مرزهای دانش زمانی تغییر می‌کند که با علم تولیدشده، بشر قادر به حل مسائل جدیدی گردد که با علم پیشین امکان نداشت (پیروزمند، ۱۳۹۲: ص۴۵۱). تولید علم دینی فراتر از کشف واقع و مرتبط‌بودن با عالَم دینی، از منظر آموزه‌های دینی ارتباط مستقیم با اخلاق در ساحت وجودی عالِم دینی دارد (روم: ۱۰؛ نمل: ۱۴؛ بقره: ۲۸۲؛ انفال: ۲۹؛ فاطر: ۱۰). زیرا انسان به‌عنوان مجموعه‌ای از قوای ادراکی و گرایش‌ها، در عین‌حال حقیقت بسیط دارد. «النفس فی وحدتها کل القوی» بر این اساس کار علمی مثل هر عمل دیگر از تمام وجود انسان نشئت می‌گیرد (سوزنچی، ۱۳۸۹: ص۸۷). انسان موجودی غایت‌گراست و متناسب با غایات مورد نظر خویش علمی را تولید می‌نماید. ماهیت غایت‌ها، انعکاسی از سطح وجودی آدم‌هاست. بر این اساس اگر کسی غایت جامعه‌شناسی را تأمین حداکثری لذت‌های مادی تلقی کند، یا تأمین حداکثری عدالت اجتماعی و تعالی انسانی بداند، ماهیت نظریه‌های علمی‌ای که تولید می‌کند کاملاً متفاوت می‌شود.

نکتهٔ اساسی‌تر اینکه، انسان‌ها متناسب با مرتبهٔ وجودی خویش، به کشف حقایق علمی نائل می‌شوند. نفس آدمی از طریق شکوفایی فطرت، تعالی وجودی می‌یابد، به ملکوت و عالم عقل متصل می‌شود و حقایق را به‌شکل شهودی و عقلانی درک می‌کند. اگر نفس آدمی در سطح غریزه متوقف گردد، از طریق ارتباط وجودی قوهٔ خیال با موجودات نازل‌تر، به فرضیه‌سازی و نظریه‌پردازی کاذب و خیالی می‌پردازد. به‌عبارت روشن‌تر هرچه انسان مهذب‌تر باشد سنخیت وجودی او با ملکوت بیشتر می‌شود و ادراک حقایق به‌نحو قاطع‌تری برای او حاصل می‌گردد و هرچه گناه‌کارتر باشد سنخیت وجودی‌اش با شیاطین زیادتر می‌شود و بیشتر در معرض مطالب کذب شیاطین قرار می‌گیرد[1] (سوزنچی، ۱۳۸۹: ص۹۳-۹۱). بر همین مبناست که نقش شخصیت اخلاقی عالِم در تولید علم دینی و از آن جمله جامعه‌شناسی اسلامی، موضوعیت محوری و اجتناب‌ناپذیر می‌یابد.

همان‌گونه که قبلاً اشاره شد، تولید جامعه‌شناسی اسلامی که بر بنیاد تقاضاهای تراکم‌یافته در میان مجامع علمی پایه‌گذاری شده است، توسط افراد مستعد و در فضای عمومی مناسب، قابل‌تولید می‌گردد. بر مبنای چنین ابعاد درهم‌تنیده و متأثر از همدیگر ضروری است که در فرایند

۱. شعرا: ۲۲۳-۲۲۱؛ بقره: ۶؛ جاثیه: ۹-۷؛ نمل: ۴۱.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

تولیـد علمـی یعنی «فرضیه‌سـازی» و «نظریه‌پردازی» در حوزه جامعه‌شناسـی اسـلامی، تقویت فضاسـازی‌های مربوط به مرحله «ایجاد تقاضا» نیز به‌شـکل جدی تداوم یابد و با تمرکز بیشـتر بر تربیت نیروی انسانی «اهداف»، «اصول راهبردی» و «برنامه‌های عملیاتی»، تعیین و تعقیب گردد.

الف) اهداف

سـاختار علـم، به‌مثابه مفاهیم منظم بـا محوریت موضوع واحد، روش یا روش‌های مناسـب، مسـائل متناسـب و مرتبط به همدیگر، دارای ارکان سـه‌گانه: مبانی و اصول موضوعه، روش و شیوه کسـب معرفت، نظریه و چارچوب مفهومی مشخص است. علم دینی به لحاظ علمیت و کاشفیت از واقع، تفاوتی با رویکرد غالب به علم در تاریخ و دنیای معاصر ندارد و اساساً مدعی انطباق بیشتر با واقعیت اسـت، اما از باب اینکه تأسیس علمِ جدید به‌شمار می‌آید، باید ویژگی‌ها و شاخص‌های سـه‌گانه زیـر را نیـز دارا باشـد: ۱. هماهنگی منطقی بـا وحی؛ ۲. قـدرت ایجاد تفاهـم با جامعه اسـلامی؛ ۳. کارآمدی در جهت اسـلام (سالاری، ۱۳۹۲: ص۷۴). بر این اساس به هر میزانی که جامعه‌شناسی اسلامی، این ویژگی‌ها را عینیت بخشد می‌توان آن را دینی تلقی نمود.

با در نظر داشتن ساختار و ویژگی‌های علم دینی، اهداف مورد نظر در مرحله تولید و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی اسلامی را می‌توان هماهنگ با نگرش اسلام، تعیین و تعریف نمود. از منظر معارف وحیانی دین، خداوند متعال در ترسـیم نقشـه جامع علمی، ابتدا منابع را مشـخص می‌سـازد، بعد می‌فرماید: مبانی را از این منابع اسـتنباط نمایید، سـپس موضوعات و مسـائل رشـته‌های مختلف علمی را از منابع اسـتنباط کنید (جوادی آملی، ۱۳۹۳: سخنرانی). بر همین مبنا، اهداف مورد نظر و قابل‌تعقیب در این قسمت عبارت‌اند از: «تعیین مبانی»، «تعیین روش» و «تولید نظریه». با توجه به‌همین اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی معطوف به آن‌ها نیز قابل‌تعریف می‌گردند.

ب) اصول راهبردی

۱. تولید مبانی

تولید مبانی، پیش‌نیاز تحول علوم به‌حساب می‌آید. مبانی به آن دسته اطلاعاتی اطلاق می‌شود که پایه و اسـاس شـکل‌دهی اطلاعات فرعی‌تر اسـت و به‌عنـوان امور پذیرفته‌شـده در علوم تلقی می‌گـردد و نگرش‌های بنیادین را درباره علوم مادون شـکل می‌دهد (پیروزمند، ۱۳۹۲: ص۴۵۲). دانشِ متولی تولید مبانی جامعه‌شناسی اسلامی، به‌ترتیب این موارد هستند: فلسفه اولی، فلسفه‌های مضاف به حقیقت انسـان، دین و معرفت و فلسـفه مضاف به علوم اجتماعـی. انتظار می‌رود که بر

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

بنیان آن‌ها، حقیقت هستی، هستی عالم، هستی انسان و جامعه، حقیقت دین، حقیقت علم و معرفت، به‌روشنی تعریف و شناسایی گردد.

۲. تولید روش

روش، منطقِ دانش‌پژوه در تجزیه و ترکیب اطلاعات به‌شمار می‌رود (همان). جامعه‌شناسی اسلامی تکثر و تنوع روشی دارد و در موضوعات خاص از روش یا روش‌های متناسب استفاده می‌کند. منتها در سطوح متفاوت نظام معرفتی، غالباً یکی از روش‌ها به‌عنوان روش محوری و مناسب، مطرح می‌شود. مبانی با محوریت روش «برهانی» و تا حدودی «شهودی»، قابل‌تولید است؛ تبیین گزاره‌های دینی با محوریت روش «اجتهادی» صورت می‌گیرد و در آزمون علمی نظریه، روش «تجربی» نقش جدی‌تر ایفا می‌نماید.

۳. تولید نظریه

نظریه، مجموعه‌ای از مفاهیم مرتبط با هم است که به توصیف و تبیین واقعیت می‌پردازد. فرضیه‌های نظری را می‌توان از هر منبعی دریافت کرد اما در استخراج مفاهیم و صورت‌بندی نظریه‌ها، مناسب‌ترین منبع به‌ترتیب «قرآن کریم»، «متون روایی»، «استنباط‌های عالمان دین» و در نهایت «بهره‌گیری از اندیشه‌های بشری» است. همان‌گونه که نظریه‌ها در علوم انسانی موجود «به توصیف انسان تحقق‌یافته، توصیف انسان شایسته و ایدئال و توصیه انسان بایسته می‌پردازد» (خسروپناه، ۱۳۹۱: ص۳۳۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی نیز اولاً: باید جامعه شایسته و ایدئال اسلامی را توصیف نماید؛ ثانیاً: جامعه تحقق‌یافته اسلامی را توصیف کند؛ ثالثاً: جامعه بایسته را توصیه کند و روشن سازد که چگونه جامعه تحقق‌یافته به جامعه شایسته می‌رسد.

ج. برنامه‌های عملیاتی

تولید علم دینی بیش از آنکه یک برنامه پژوهشی ناظر به محتوا باشد یک برنامه‌ریزی تعلیم و تربیتیِ نسبتاً درازمدت است. برنامه‌ریزی‌ای که تحقق علم را نه در قالب مجموعه‌های مکتوب بلکه در درون انسان‌های مستعد و تربیت‌شده جست‌وجو می‌کند. انسان‌هایی که فراتر از تزکیه‌های اخلاقی، در حوزه معارف دینی و علوم جدید صاحب‌نظر نیز هستند (سوزنچی، ۱۳۸۹: ص۳۵۲). علم دینی در واقع محصول عالَم و عالِم دینی است. اضلاع سه‌گانه علم، عالِم و عالَم، ارتباط متقابل و دیالکتیک با همدیگر دارند اما به‌نظر می‌رسد که نقطه آغاز تدوین علم دینی باید تربیت عالِم دینی باشد. زیراانسان‌ها با توجه به اراده و اختیاری که دارند، می‌توانند الزامات عالَم غیردینی را بشکنند و با ایجاد رخنه‌ای در آن، بستر و خاستگاه اجتماعی را برای شکل‌گیری عالَم دینی و تدوین

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

علم دینی مهیا کنند. بر این اســاس ضروری است که برنامه‌های عملیاتی برای تدوین علم دینی، با تمرکز بیشتر بر تربیت نیروی انسانی تدوین و سازمان‌دهی گردد.

۱) برنامه‌های کوتاه‌مدت (اصلاح نظام ساختاری)

- اولویــت اول: تلاش برای غلبه‌دادن اخلاق و معنویت بر محیط‌های آموزشــی و پژوهشی؛
- اولویت دوم: تقویت مراکز حوزوی دانشگاهی فعال در حوزه تولید جامعه‌شناسی اســلامی؛ ســامان‌دهی دانشــکده‌ها و گروه‌های جامعه‌شناســی در نظام رسمی آموزش عالی کشور؛
- اولویت ســوم: حمایــت از انجمن‌های خودبنیاد حوزوی و دانشــگاهی در حوزه جامعه‌شناســی اســلامی؛ حمایت از پروژه‌ها و تولیدات فکری نخبگان در حوزه جامعه‌شناسی اسلامی؛
- اولویت چهارم: تقویت منزلت علوم اجتماعی در نظام رســمی آموزش‌وپرورش و آموزش عالی کشور. شناسایی و جذب دانش‌آموزان و دانشجویان مستعد برای ورود به رشــته جامعه‌شناسی، به‌منظور تولید جامعه‌شناسی اسلامی و تأمین آینده شغلی آن‌ها؛
- اولویــت پنجــم: تعیین متولی رســمی در مراکز جامعه‌شناســی بــرای راه‌اندازی مناظره‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی.

۲) برنامه‌های میان‌مدت (اصلاح نظام آموزشی و پژوهشی)

- اولویــت اول: مواجهــه تهذیبــی و تکمیلــی به جامعه‌شناســی موجــود و تربیت نیروهــای انســانی در حد کارشناســی برای تطبیــق موضوعات مــورد مطالعه در جامعه‌شناسی با نیازهای تکاملی جامعه اسلامی؛
- اولویت دوم: تربیت پژوهشگر در سطح کارشناسی‌ارشد، مسلط به روش تحقیق در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط؛
- اولویــت ســوم: تربیــت پژوهشــگر در ســطح دکتــری، صاحب‌نظــر در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط؛
- اولویت چهارم: تغییر نظام اعتباربخشــی به تحقیق و پژوهش در راستای تقویت پژوهش‌های مبتکرانه و خلاق؛
- اولویت پنجم: تقویت فرهنگ قداست‌داشتن علم و عالِم، گسترش مناظره و نقد

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

در فضای آزاداندیشی علمی.

۳) برنامه‌های بلندمدت (تولید)

- اولویت اول: تولید مبانی جامعه‌شناسی اسلامی؛ تولید فلسفهٔ مضاف به حقیقت دین، معرفت، انسان و جامعه، به‌منظور تدوین فلسفه علوم اجتماعی اسلامی؛
- اولویت دوم: تولید روش‌های جامعه‌شناسی اسلامی؛ ارتقای روش اجتهادی از سطح فقه فردی برای تئوری‌پردازی فقه اجتماعی، اصلاح و تعمیق روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی با توجه به روش‌های برهانی، شهودی، اجتهادی و تجربی؛
- اولویت سوم: تولید نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی؛ استخراج و متراکم‌ساختن مفاهیم نظری، با روش اجتهادی از منابع دینی، غنی‌سازی مفاهیم نظری از طریق بازخوانی اندیشه‌های اجتماعی متفکران مسلمان و استفاده از مفاهیم مناسب در نظام مفهومی جامعه‌شناسی موجود؛ آزمون تجربی مداوم، برای اصلاح و اتقان نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی.

عرضه و بهره‌وری

علم نه برای علم که برای تحقق اهدافی مشخص تدوین و تولید می‌شود. جامعه‌شناسی اسلامی نیز غایت‌محور است و معطوف به غایاتی ازپیش‌تعیین‌شده، ضرورت تولید می‌یابد. جامعه‌شناسی، دانش فهم و تنظیم مناسبات اجتماعی و مهندسی فرهنگ عمومی است. جامعه‌شناسی اسلامی درصدد تولید «جامعه و جهان دینی» است. به‌همین دلیل انتظار می‌رود که بر پایه چنین دانشی بتوان مسائل و مشکلات عینی جوامع بشری به‌خصوص جوامع اسلامی را حل نمود و واقعیت‌های سیال و متغیر اجتماعی را مدیریت‌پذیر ساخت. تحقق این امر مستلزم مدیریت منطقی، عرضهٔ به‌موقع و بهره‌وری از دانش نوبنیاد جامعه‌شناسی اسلامی در عینیت جامعه است.

عرضه و بهره‌وری، مفاهیم مرتبط و دارای ترتب نسبتاً منطقی هستند. مراد از عرضه، ارائه تولیدات نظری در مراکز علمی برای نقد و ارزیابی، به‌منظور استحکام نظری است، اما بهره‌وری، ناظر به استفاده از جامعه‌شناسی تولیدشده، برای مدیریت پدیده‌های اجتماعی است. نکته اساسی اینکه در هر دو مرحله، به‌تدریج کاستی‌های جامعه‌شناسی اسلامی مرتفع و هویت علمی آن برجسته‌تر می‌شود. زیرا گرایش‌های عملی، مسبوق به گزارش‌های علمی است (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ص۳۰۳)؛ ساختمان ذهنی اصولی را فراهم می‌سازد و آدم‌ها بر پایه آن‌ها گزینش

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

می‌کنند (ریتزر، ۱۳۷۴: ص۷۲۳). اندیشه‌ها نمی‌توانند بدون محرک واقعی عینیت بیابند و برای محقق‌شدن، احتیاج به سائق‌های مادی و واقعی دارند (آشتیانی، ۱۳۸۳: ص۱۶۶)؛ عوامل انسانی و اجتماعی زمانی به‌نفع اندیشه‌ها فعال می‌شوند که نیازهای خود را در پرتوی آن‌ها تأمین‌شدنی بیابند. معیار سنجش و قضاوت در مورد افکار نیز کارآمدی آن‌هاست؛ چه اینکه داده‌های ذهنی تا زمانی که واقعیت انضمامی نیابند، فرضیه‌هایی بیش نیستند و با معیار کارآمدی است که به موقعیت علم ارتقا می‌یابند. از همین خاستگاه است که نظریه‌های علمی مدام در تلاقی با واقعیت‌های عینی یا بارورتر یا فراموش می‌شوند.

«دانش»، مفهومی فراتر از «داده» و «اطلاعات» است. دانش به مجموعهٔ اطلاعات، راهکارهای عملی و نتایج به‌کارگیری آن، اطلاق می‌شود. اساسی‌ترین چالش برای مدیریت دانش، تولید دانش نیست بلکه تصرف دانش و اشاعه آن است (منصوری، ۱۳۸۵: ص۷۳). داده یک واقعیت یا یک مورد از یک زمینه خاص بدون ارتباط به دیگر چیزهاست. داده‌ها، رشته‌واقعیت‌های عینی و مجرد در مورد رویدادها هستند. داده‌ها به‌عنوان واقعیت‌های خام، در پایگاه‌های داده، ذخیره و مدیریت می‌شوند. داده‌ها حداقلِ متن را دارند و تا پردازش نشوند به‌تنهایی مفهوم موضوع بزرگ‌تری را القا نمی‌کنند. از دیدگاه سازمانی، داده‌ها یک سلسله معاملات ثبت‌شدهٔ منظم تلقی می‌شوند (قربانی، ۱۳۸۸: ص۴۹). از این‌رو مجموعه داده‌های جامعه‌شناختی مبتنی بر اسلام، زمانی هویت علمی و اسلامی می‌یابند که در عرصهٔ عرضه و بهره‌وری، به‌شکل عملی، با نظام عام معرفتی اسلام مرتبط شوند و در راستای تکامل و رشد اخلاقی جامعه عمل کنند.

عرضه و بهره‌وری، ناظر به تصرف جامعه‌شناسی اسلامی در جهان عینی است و معیار سنجش کارآمدی آن نیز، «حسی و تجربی» است. نکته اساسی اینکه معیارهای ارزیابی باید در راستای اهداف مورد نظر درک و تعیین شود؛ مثلاً ممکن است در شرایط محاصره اقتصادی، بسیاری احساس ذلت کنند، اما وقتی با اهداف بالاتر سنجیده شود، دانسته خواهد شد که این عین عزتمندی است (سوزنچی، ۱۳۹۱: ص۴۷۹). بنابراین در تعیین میزان کارآمدی جامعه‌شناسی اسلامی هرچند از روش حسی و تجربی استفاده می‌شود اما معیارهای ارزش‌گذاری آن، متناسب با مبانی و اهداف کلانی که در این علم تمهید شده است، تعریف و شاخص‌سازی می‌شود. به همین دلیل ممکن است که داوری علمی جامعه‌شناسی اسلامی با جامعه‌شناسی موجود در برخی موضوعات، متفاوت و احیاناً متضاد گردد.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

الف)اهداف

جامعه‌شناسی اسلامی، ناظر به اهداف کلان و نیازمندی‌های جامعه توحیدی، تولید می‌شود. اهداف مورد تعقیب در مرحله عرضه و بهره‌وری نیز، تا حدودی یکسانِ با همان اهداف می‌باشد. توصیف و تبیین واقعیت‌ها، کنترل تحولات و حوادث اجتماعی، تقویت و استحکام جامعه توحیدی، انتظارات تعبیه‌شده در متن جامعه‌شناسی اسلامی است. بر این اساس اهداف مربوط به عرضه و بهره‌وری آن را می‌توان به‌صورت زیر تعیین و تعریف نمود: ۱: تبیین مسائل جامعه موجود؛ ۲: تبیین جامعه مطلوب توحیدی؛ ۳: تبیین فرایند رسیدن جامعه موجود به جامعه مطلوب. هدف اساسی دیگری که در ضمن این اهداف تحقق‌پذیر است و توجه مدام به آن ضرورت دارد، استحکام و اتقان هرچه بیشتر نظریه‌های تولیدشده است.

ب) اصول راهبردی عرضه و بهره‌وری

۱. شفافیت‌سازی

فرضیه‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی، برای اینکه در مراکز علمی پذیرفته شوند و عوامل اجرایی با اعتماد بیشتری از آن‌ها استفاده کنند، نیازمند مدیریت منطقی در فرایند عرضه و بهره‌وری هستند. یکی از عوامل اصلی مقاومت برخی از نخبگان و مراکز علمی در برابر تولید علم دینی، بدعرضه‌شدن آن در فضای علمی است؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مخالفین در واقع با چیزی مخالف‌اند که تصور روشن و شفافی از آن ندارند و احساس می‌کنند که طرفداران علم دینی درصدد نَقلی‌ساختن علوم تجربی‌اند. فراتر از آن، برخی از نظریه‌پردازان علم دینی نیز درک روشنی از رویکردهای موجود در این حوزه ندارند و گمان می‌کنند که تفاوت‌های جدی با دیگر رویکردها دارند. به‌همین دلیل ضروری است که تولیدات علم دینی به‌شکل مناسب عرضه گردد تا ابهامات مرتفع و توافق جمعی حاصل شود.

۲. انسان‌سازی

جامعه‌شناسی هرچند در ظاهر، منطق فهم مناسبات اجتماعی دانسته می‌شود، اما نباید فراموش کرد که در چارچوب منطقِ جامعه‌شناختی، انسان‌شناسی، و تفسیر از واقعیت موجود و مطلوب «خود انسانی»، عنصر محوری است. به‌عنوان مثال، در نگرش جامعه‌شناختی موجود، انسان‌ها در سطح موجودات طبیعی معنا شده‌اند و «خودِ» انسانی متأثر از جبر جامعه یا انعکاسی از قضاوت دیگران دانسته می‌شود، اما در چارچوب جامعه‌شناسی اسلامی، خودِ حقیقی انسان، به حقیقت هستی ارجاع داده شده است (بقره:۱۵۶)؛ و بدون اینکه فشارهای اجتماعی و نقش دیگران

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

در شـکل‌گیری «خود واقعی» انسان نفی گردد، انسان‌های کامل و نمونه، برای الگوگیری برجسته و توصیه می‌شوند. بر این اساس در فرایند عرضه و بهره‌وری از جامعه‌شناسی اسلامی، ضروری است که به اصل انسان‌سازی به‌عنوان اصل راهبردی توجه شود.

۳. سازمان‌سازی

سـازمان‌ها به دو دستهٔ رسمی و غیررسمی تقسـیم می‌گردند. سازمان‌های رسمی به گروه‌هایی اطلاق می‌شوند که برای رسیدن به یک هدف مشخص هماهنگ شده‌اند، با قواعد و مقررات معیّنی کار می‌کنند و سلسـله‌مراتب مشـخصی از اقتدار و مسـئولیت دارند. اما سـازمان‌های غیررسـمی عموماً کوچک، غیرهدفمند و فاقد قواعد و عملکردهای مقرراتی هستند (کوئن، ۱۳۸۱: ص۲۸۲). به‌تعبیر دیگر، سـازمان مجموعه‌ای انسـانی اسـت که برای انجام مأموریت مشـخص، امکاناتی را به‌خدمت می‌گیرد. چگونگی شـکل‌گیری این سـازمان‌ها نیازمند نظریه‌پردازی‌هایی است که تماماً در علوم اجتماعی انجام می‌شـود (پیروزمند، ۱۳۹۲: ص۴۵۷). سازمان‌ها در ساختار جامعهٔ کل، هماهنگی سیسـتمی دارند، نظم و یکپارچگی اجتماعی را تحقق می‌بخشند و دست‌یابی به اهداف جامعه را ممکن می‌سـازد. بر این اسـاس انتظار می‌رود که جامعه‌شناسی اسـلامی، ظرفیت تولید نظریه‌های سـازمانی را داشـته باشد و از طریق ایجاد سـازمان‌های مناسب، تحقق اهداف و غایات جامعه توحیدی را ممکن و میسر سازد.

۴. جامعه‌سازی

جامعه، مجموعه‌ای است که افراد، سازمان‌ها و نهادها را در خود جای داده است و برآیند آن‌ها محسوب می‌شود؛ جامعه اهدافی را بر اساس مصالح آحاد جامعه دنبال می‌کند. در جامعه‌سازی، مسـئلهٔ ارتقا و چگونگی مواجهه با جهان و فرهنگ‌های دیگر، با نگرش تمدن‌سـازی مطرح اسـت (همان). ارکان اصلی در سـاختار جامعه، نهادهای اجتماعی هسـتند. در چارچوب جامعه‌شناسی اسـلامی، ضروری اسـت که نهادهای خانواده، سیاسـت، اقتصاد، آموزش‌وپرورش، بر بنیان نظام معرفتی و ارزشی اسلام تنظیم و اصلاح شود. با اسلامی‌شدن نهادهای اجتماعی است که جهان و «عالَم دینی» ساختاربندی می‌گردد و در نتیجه فرصت و شرایط لازم برای عبور از «عالَم غیردینی» و گسترش تمدن و فرهنگ اسلامی در سطح جهان فراهم می‌شود.

ج) برنامه‌های عملیاتی

برنامه‌های عملیاتی در مرحله عرضه و بهره‌وری، قبل از اینکه ماهیت علمی و پژوهشـی داشته باشد، هویت اجرایی و سیاست‌گذاری دارد. برنامه‌های مربوط به عرضه، ناظر به چگونگی طرح و

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

اشـاعه تولیدات نظری جامعه‌شناسی اسـلامی در مراکز علمی است و برنامه‌های بهره‌وری، حاکی از نحـوه پیونـد آن‌ها با مراکز تحقیقات کاربردی و سیاسـت‌گذاری‌های اجرایی اسـت. برنامه‌های عملیاتی، معطوف به عملیاتی‌ساختن اصول راهبردی است. از آنجایی که تکثیر و تفریع این اصول، سـاحت‌های مختلف حیات اجتماعی را شـامل می‌شـود و طرح همهٔ آن‌ها در قالب «نقشـه تولید جامعه‌شناسـی اسـلامی» ضرورتی ندارد، صرفاً به برنامه‌هایی اشاره می‌شـود که ارتباط مستقیم با موضـوع بحث دارند. با توجه به این نکته اساسـی که مجموع برنامه‌هـای عملیاتی در واقع ناظر به انسان‌سازی می‌باشد، ضروری است که به این اصل محوری در ضمن کلیه برنامه‌ها، توجه و دقت شود.

برنامه‌های کوتاه‌مدت: شفاف‌سازی

- اولویـت اول: رعایـت حقوق معنوی محققان؛ تقویت منابع مالی و اسـتفاده بهینه از آن‌ها برای تبیین و اشاعه دیدگاه‌ها و نظریه‌های مطلوب؛
- اولویت دوم: اجتناب از فرمایشی‌شـدن و حکومتی‌پنداشـتن تولید جامعه‌شناسی مطلوب اسلامی؛
- اولویت سوم: استفاده هدفمند از نظریه‌های مناسب جامعه‌شناسی موجود؛
- اولویت چهارم: عرضهٔ به‌موقع نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی به نخبگان و مراکز علمی برای تبادل نظر در فضای آزاد، به‌منظور استحکام نظریه‌ها و توسعه تفاهم جمعی؛
- اولویت پنجم: واردنمودن نظریه‌های تولیدشـده به چرخه نظام آموزشـی و تجهیز نیروهای انسانی طالب علم؛
- اولویت ششـم: ارائـه الگوهای معیار، شاخص‌سازی‌شـده و سیسـتمی از انسـان موحّد، سازمان‌ها، نهادها، جامعه و تمدن اسلامی؛
- اولویت هفتم: تمرکز مراکز آموزشی و پژوهشی بر طرح‌های مرتبط با نیازهای جامعه.

برنامه‌های میان‌مدت: سازمان‌سازی

- اولویـت اول: اصـلاح و بازتولیـد سـازمان‌ها و ارگان‌هـای دولتی بر مبنای شـاخص‌های تمهیدشده در الگویی معیار؛
- اولویت دوم: استفاده از نیروهای متعهد و متخصص برای مدیریت سازمان‌ها؛
- اولویت سـوم: اصلاح و بازتولید گروه‌های مردم‌نهاد از قبیل سـازمان‌های خیریه، سـازمان

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

مساجد، سازمان‌های پیونددهنده حوزه با مردم و... بر مبنای الگویی معیار؛

- اولویت چهارم: ایجاد سازمان‌ها و تمهید گروه‌های مورد نیاز برای نیازمندی‌ها و تحقق اهداف جامعه اسلامی؛
- اولویت پنجم: مدیریت غیرمحسوس گروه‌های اجتماعی به‌خصوص گروه‌های مرجع و هویت‌بخش به کودکان، نوجوانان و جوانان.

برنامه‌های بلندمدت: جامعه‌سازی

- اولویت اول: ارزیابی و نقد سازمان‌های اجتماعی بر مبنای شاخص‌های تولیدشده؛
- اولویت دوم: سیاست‌گذاری‌های مناسب برای هم‌گرایی نهادی؛
- اولویت سوم: سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق هرچه بیشتر شاخص‌های تمهیدشده در الگوهای معیار و عبوردادن نهادهای اجتماعی از وضعیت موجود به‌سوی وضعیت مطلوب؛
- اولویت چهارم: سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تقویت شبکه‌های اجتماعی در سه سطح خویشاوندی، همسایگی و انسانی، به‌منظور اخلاقی‌ساختن فضای عمومی؛
- اولویت پنجم: سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مناسب، برای عبوردادن عالَم غیردینی به‌سوی عالَم دینی.

تشکیل شبکه نخبگانی

تولید نظریه‌های علمی، فراتر از توانمندی‌های افراد و ظرفیت‌های موجود در مراکز علمی، نیازمند فضای اجتماعی مناسب است. علم، انعکاسِ ذهنیت نظام‌مند از واقعیت‌های موجود و مطلوب است. اندیشه‌ها بر بنیان اختیار و اراده‌های آزاد بشری برای حل بن‌بست‌های زندگی شکل می‌گیرد. زادگاه و موطن اصلی علم شخصیت عالِم است و علم در واقع بخشی از هستی و وجود عالِم می‌باشد. مدیریت علم برگشتی جدی به مدیریت انگیزه‌های عالِم از طریق مدیریت انگیزه‌های فراگیر در متن جامعه دارد. همان‌گونه که نمی‌توان به‌راحتی انگیزه‌ها را مدیریت نمود، تولید علم را نیز نمی‌توان مدیریت‌پذیر کرد. بر این اساس نباید نهضت تولید علم دینی را در حصار شبکه‌های سازمانی انعطاف‌ناپذیر، محصور کرد.

مدیریت تولید علم قبل از اینکه مربوط به محتویات نظام علمی باشد، باید معطوف به فضاسازی عمومی تعریف شود. علم دینی نیازمند قواعد و میدانی باز متناسب با علم و دین است.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

علم در بستر آزاداندیشی، تضارب و تبادل افکار، قابلیت تولید می‌یابد. از این‌رو تولید علم را نمی‌توان و نباید در حصار قواعد سازمانی محصور کرد. از سوی دیگر اصل «فشار علم» و تسریع در روند تولید جامعه‌شناسی اسلامی، یعنی تحقق اقدامات پیش‌گفته دربارهٔ «تشدید تقاضا»، «نظریه‌پردازی» و «بهره‌وری»، مستلزم مدیریت تولید جامعه‌شناسی اسلامی است؛ چنین مدیریتی را می‌توان در قالب تشکیل شبکهٔ نخبگانی، اجرایی دانست.

مراد از شبکه نخبگانی، تأکید بر تشکیلات کاملاً رسمی و اداری نیست بلکه منظور تنظیم درست و هدفمند تعامل علمی جریانات هم‌سو، جلوگیری از کارهای موازی و بسترسازی مناسب برای جذب نیروهای بیشتر است. برای تحقق این شبکه، ضروری است که به حداقلی از نقاط اشتراک نیز بسنده و سعی شود که گرایش‌های همگرایانه تقویت و برجسته گردد، زیرا نهضت تولید علم دینی قبل از همه به اثبات منطقی خود نیاز دارد، باید جامعه علمی دغدغه‌های معرفتی این جریان را بپذیرد تا به‌تدریج، منطق تولید علم دینی از غربت بیرون آید و تبدیل به منطق علمی مسلط و فراگیر شود.

الف)اهداف

مدیریت دانش، بر بنیان تشکیل شبکه نخبگانی، درصدد سازمان‌دهی تولید علم در میدان باز و وسیع آزاداندیشی است. کاهش حساسیت‌ها و استفادهٔ درست از ظرفیت‌های فراوانی که در نظام معرفتی اسلام و فرهنگ جوامع اسلامی، برای تولید دانش جامعه‌شناسی اسلامی وجود دارد، دغدغه عام و کلی به‌شمار می‌آید. اما به‌طور مشخص اهدافی که در این خصوص قابل‌تعقیب‌اند عبارت‌اند از: ۱. همگرایی و تفاهم جمعی؛ ۲. مدیریت فرایند تولید علم دینی؛ ۳. مدیریت سرمایه‌های مادی و معنوی. بر پایهٔ همین اهداف، می‌توان تشکل‌های مرتبط با شبکه نخبگانی را طراحی کرد.

ب) تشکیلات

ـ ایجاد ستاد اولیه برای شناسایی جریان‌ها، انجمن‌ها و صاحب‌نظران فعال و موافق با تولید جامعه‌شناسی اسلامی به‌منظور ایجاد شبکه نخبگانی؛

ـ تشکیل شورایی عالی از میان نخبگان و نظریه‌پردازان اصلی به‌منظور تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان دربارهٔ مدیریت کلی فرایند تولید دانش جامعه‌شناسی اسلامی (که در محورهای قبل یعنی «تشدید تقاضا»، «نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری»،

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

به‌تفصیل بیان گردید)؛

ـ ایجاد ستاد مرکزی رسمی به‌منظور پیگیری مصوبات شورای عالی و انتشار آخرین تولیدات نظری از طریق مجله تخصصی، سایت علمی و... .

از آنجایی‌که اجرای بخش مهمی از تصمیم‌گیری‌های شورا به بودجه مالی و حمایت قانونی نیاز دارد، ضروری است که شورای عالی، ذیل شورای عالی انقلاب فرهنگی تعریف شود و هماهنگ با سیاست‌گذاری‌های کلان مدیریتِ دانش و تولید علم دینی در سطح کشور عمل نماید.

جدول‌های نقشه جامع تولید جامعه‌شناسی اسلامی

جدول شماره ۱؛ جامعیت نقشه تولید جامعه‌شناسی اسلامی

مراحل تولید	ابعاد و نگرش‌ها	جامعیت و فراگیری
منطق تولید	کشش تقاضا	تأکید بر تشدید تقاضا و دخالت‌دادن منطقی فشار علم
	فشار علم	
رویکرد تولید	مبناگرایی	تدوین نقشه جامع بر مبنای فعالیت‌های آزاد و تعامل همگرایانه رویکردها
	فرامبنایی	
	اجتهادی	
	تهذیبی	
فرایند تولید	ضرورت و تقاضا	نقد جامعه‌شناسی موجود و تبیین جامعه‌شناسی مطلوب
	تولید و نظریه‌پردازی	تولید مبانی، روش و نظریه
	عرضه و بهره‌وری	توصیف جامعه تحقق‌یافته، توصیف جامعه شایسته و ایدئال، توصیه جامعه بایسته

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

جدول شماره ۲؛ تقویت تقاضا برای جامعه‌شناسی اسلامی

ابعاد	اهداف	اصول راهبردی	برنامه‌های عملیاتی
نقد جامعه‌شناسی موجود	ایجاد پرسش: نقد مبانی، نقد روشی، نقد بهره‌وری	شناسایی: اهرم‌های نقد، پیامدها، وضعیت موجود	تدوین نقشه جامع از جامعه‌شناسی در غرب
			تدوین نقشه جامع از جامعه‌شناسی در ایران
			نقد هرم‌های مکاتب رایج
			تدوین نقشه جامع از نیازمندی جامعه اسلامی
			مدیریت نیازمندی‌ها و بهره‌وری
			تعامل با جریان‌های منتقد و همسوی فراملی
			نقد کلیت مبانی فلسفی و روشی جامعه‌شناسی غربی
			اجتناب از بهره‌وری
			نقد مبانی تمدن غربی
			نقد سبک زندگی مدرن
			هم‌سویی با جریان‌های منتقد تمدنی غربی
تبیین جامعه‌شناسی مطلوب	تقویت تقاضا: ظرفیت علمی، بهره‌وری، تمدن‌سازی	تبیین مبانی، نیازمندی و کاستی‌های طرح جامعه‌شناسی اسلامی	طراحی الگوی جامعه مطلوب اسلامی
			تقویت گرایش به الگویی جامعه مطلوب
			تدوین نقشه جامع از ظرفیت‌های موجود برای تدوین جامعه‌شناسی مطلوب اسلامی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

جدول شماره ۳؛ تولید و نظریه‌پردازی جامعه‌شناسی اسلامی

اهداف	اصول راهبردی	برنامه‌های عملیاتی
تولید مبانی	تولید فلسفه مضاف به حقایق بر مبنای فلسفه اولی به‌منظور تولید فلسفه علوم اجتماعی	سازمان‌دهی مراکز و گروه‌های رسمی جامعه‌شناسی
		تقویت انجمن‌های خودبنیاد جامعه‌شناسی اسلامی و حمایت از نخبگان فکری
		تقویت منزلت جامعه‌شناسی و جذب نیروهای مستعد در رشتهٔ جامعه‌شناسی اسلامی
		تعیین متولی رسمی برای مدیریت مناظره‌ها و کرسی‌های آزاداندیشی
		تقویت اخلاق و معنویت در محیط‌های آموزشی و علمی
تولید روش	هماهنگ‌سازی روش‌های برهانی، شهودی، اجتهادی و تجربی	رویکرد تهذیبی به جامعه‌شناسی موجود، تربیت افراد در حد کارشناسی برای تطبیق موضوعات با نیازهای جامعه اسلامی
		تربیت پژوهشگر در سطح کارشناسی‌ارشد، مسلط به روش تحقیق در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط
		تربیت پژوهشگر در سطح دکتری، صاحب‌نظر در یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی و علوم اسلامی مرتبط
		تقویت پژوهش‌های مبتکرانه و خلاق
		تقویت فرهنگ قداست‌داشتن علم و عالم و گسترش نقد
تولید نظریه	فرضیه‌سازی، استخراج مفاهیم و صورت‌بندی نظریه	تولید فلسفه علوم اجتماعی اسلامی
		تولید روش‌های جامعه‌شناسی اسلامی
		تولید نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

جدول شماره ۴؛ عرضه و بهره‌وری از دانش جامعه‌شناسی اسلامی

اهداف	اصول راهبردی	برنامه‌های عملیاتی
۱) تبیین مسائل جامعه موجود ۲) تبیین جامعه مطلوب توحیدی ۳) تبیین فرایند رسیدن جامعه موجود به جامعه مطلوب	انسان‌سازی	اصل ناظر در تدوین و اجرای مجموعه برنامه‌های عملیاتی
	شفافیت‌سازی	رعایت حقوق معنوی محققان، تقویت منابع مالی برای گسترش نظریه‌های مطلوب
		بهره‌مندی هدفمند از جامعه‌شناسی موجود
		اجتناب از حکومتی‌پنداشتن تولید جامعه‌شناسی اسلامی
		عرضه نظریه‌ها به‌منظور تفاهم و استحکام نظریه‌ها
		واردنمودن نظریه‌ها به چرخهٔ آموزشی و پژوهشی
		ارائهٔ الگوهای معیار، از انسان، سازمان‌ها، نهادها، جامعه و تمدن اسلامی
		تمرکز محققان بر طرح‌های مبتنی بر نیازهای جامعه
	سازمان‌سازی	اصلاح سازمان‌های دولتی بر مبنای شاخص‌های تمهیدشده در الگویی معیار
		مدیریت درست سازمان‌ها
		بازتولید گروه‌های مردم‌نهاد بر مبنای الگویی معیار
		ایجاد سازمان‌ها و تمهید گروه‌های مورد نیاز
		مدیریت غیرمحسوس گروه‌های اجتماعی هویت‌بخش
	جامعه‌سازی	ارزیابی و نقد سازمان‌های اجتماعی بر مبنای شاخص‌ها
		سیاست‌گذاری برای همگرایی نهادی
		سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تحقق هرچه بیشتر شاخص‌ها و انتقال نهادها از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب
		سیاست‌گذاری‌های مناسب برای تقویت شبکه‌های اجتماعی در سطوح خویشاوندی، همسایگی و انسانی
		سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی مناسب، برای عبور از عالَم غیردینی به عالَم دینی

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

جدول شماره ۵؛ تشکیل شبکه نخبگانی

اهداف	تشکیلات	وظایف
۱)همگرایی و تفاهم ۲) مدیریت تولید علم ۳) مدیریت سرمایه	ستاد اولیه	شناسایی نخبگان
	شبکه نخبگانی	معرفی و انتخاب اعضای شورای عالی
	شورای عالی	مدیریت فرایند تولید دانش جامعه‌شناسی اسلامی
	ستاد مرکزی	رابط شورای عالی با شورای عالی انقلاب فرهنگی
		پیگیری تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های شورای عالی
		انتشار آخرین تولیدات نظری از طریق مجله تخصصی، سایت علمی و...

نتیجه‌گیری

دانش جامعه‌شناسی اسلامی هرچند دانشی نوبنیاد محسوب می‌شود اما ریشه‌های نیرومندی در منابع دین و میراث ارزشمند متفکرین مسلمان دارد. علم، زادهٔ پرسش است و بر پایهٔ نیازها و تقاضاهای تراکم‌یافته، شکل‌گرفته است و در چارچوب وفاق جمعی است که منزلت علمی می‌یابد. تکیه‌گاه اصلی «نقشه تولید جامعه‌شناسی اسلامی» در این پژوهش، منطق طبیعی تولید علم یعنی «کشش تقاضا» است و با محوریت آن، سعی شده است که اولاً: از عنصر «فشار علم» متناسب با همان منطق طبیعی بهره‌برداری شود؛ ثانیاً: به‌گونه‌ای منطق‌سازی شود که میدان حضور «همگرایانه» برای همهٔ رویکردهای فعّال در این حوزه باشد. ساختار کلی نقشه جامع، به‌دلیل اصل فراگیری مراتب و عناصر دخیل در تولید دانش مورد نظر، بر بنیان اصول و محورهای اساسی «ضرورت و تقاضا»، «تولید و نظریه‌پردازی»، «عرضه و بهره‌وری»، صورت‌بندی گردیده‌اند و بر همین اساس، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های عملیاتی معطوف به آن‌ها، سازمان‌دهی شده‌اند.

اصل «ضرورت و تقاضا» معطوف به ناتوانی جامعه‌شناسی موجود و ضرورت تدوین جامعه‌شناسی مطلوب است.

جامعه‌شناسی موجود از متن تمایلات غریزی انسان‌ها برخاسته و در فضای فرهنگی «غریزه‌مدار» رواج یافته است. به‌همین دلیل نیازهای بنیادین انسان و جامعهٔ انسانی در آن مغفول مانده است و در تنافی جدی با الزامات زیست متعالی انسان‌ها قرار دارد. «فطرت» و «غریزه»، اصول بنیادین و معیارهای

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]
[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

عـام برای نقد جامعه‌شناسـی غربـی و تصحیح نیازهای جامعه انسـانی برای تدوین «جامعه‌شناسـی نوین» اسـلامی محسوب می‌شـوند. زیرا علم و عالَم برساخته‌های همدیگر هسـتند. علم متناسب با تقاضاهای موجود در عالَم به‌وجود می‌آید و در تصحیح کاستی‌ها و نارسایی‌های عالَم کمک می‌کند و به مهندسـی علمی آن می‌پردازد. نقد جامعه‌شناسی موجود و تلاش برای تدوین جامعه‌شناسی جدید، به‌ترتیب معطوف به نفی نیازهای معیوب صرفاً غریزی و تقویت نیازها و تقاضاهای فراگیر و همه‌جانبهٔ فطری غریزی است؛ از این‌رو ضروری است که فهم و نقد جامعه‌شناسی موجود به‌عنوان بخش مهمی از فرایند تولید و استحکام جامعه‌شناسی اسلامی، تلقی گردد.

تولید و نظریه‌پردازی، به‌معنای شکستن مرزهای رایج علمی، ارائه الگوهای نظری جدید برای حل پرسـش‌های پاسخ‌نیافته و تأمین تقاضاهای تراکم‌یافته است. تدوین نظریه‌های جامعه‌شناسی اسلامی به‌ترتیب شامل این موارد می‌شود: تولید فلسفه مضاف، تبیین و تنظیم منطق وحیانی به‌عنوان روش عام و هماهنگ‌کنندهٔ روش‌های برهانی، شـهودی، اجتهادی و تجربی و استخراج مفاهیم مناسب از منابع دینی و دیگر منابع علمی. در چنین فرایندی اسـت که تراکم مفهومی به‌وجود می‌آید و بسـتر لازم برای فرضیه‌سـازی‌های علمی و تدوین نظریه‌های جامعه‌شناسـی اسلامی فراهم می‌شـود. نکته قابل توجه اینکه بر مبنای ابعاد درهم‌تنیده علم، عالِم و عالَم دینی، ضروری است که در فرایند «نظریه‌پردازی» نه تنها تقویت فضاسـازی‌های مربوط به مرحله «ایجاد تقاضا» تداوم یابد که تربیت نیروهای انسانی نیز به‌شکل جدی تعقیب گردد.

جامعه‌شناسی اسلامی مانند تمام نظام‌های علمی دیگر، «غایت‌محور» است و معطوف به غایاتی ازپیش‌تعیین‌شـده ضرورت تولید می‌یابد. پس از تولید مجموعه نظریه‌های جامعه‌شناسـی اسـلامی، ضروری است که بستر رقابت آن‌ها از طریق عرضه و بهره‌وری، در عینیت جامعه، فراهم گردد و میزان کارآمدی هرکدام در راسـتای تولید جامعه و جهان دینی سـنجش و ارزیابی شـود. عرضه و بهره‌وری، مفاهیم مرتبط و دارای ترتبت نسبتاً منطقی هستند. مراد از عرضه، ارائه تولیدات نظری در مراکز علمی برای نقد و ارزیابی، به‌منظور اسـتحکام نظری اسـت، اما بهره‌وری ناظر به اسـتفاده از جامعه‌شناسـی تولیدشـده، برای مدیریت پدیده‌های اجتماعی اسـت. تحقق این امر مستلزم مدیریت منطقی، عرضه به‌موقع و بهره‌وری از دانش نوبنیاد جامعه‌شناسـی اسـلامی است. از همین خاستگاه است که تشکیل شـبکه نخبگانی رسمی اما سـهل‌گیرانه، برای مدیریت دانش جامعه‌شناسی اسلامی، اولویت می‌یابد و درسـت در چارچوب چنیـن مدیریت باز و جهت‌دهنده‌ای اسـت که می‌توان انتظار داشـت تا کلیه محورها، اهداف، اصول راهبردی و برنامه‌های تعبیه‌شـده در این نقشه، به‌شکل منطقی اجرایی شـوند.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]

منابع:

- قرآن کریم

۱. آشتیانی، منوچهر. ۱۳۸۳. **جامعه‌شناسی شناخت ماکس شلر**. تهران، نشر قطره.

۲. بستان، حسین و همکاران. ۱۳۷۸. **گامی به‌سوی علم دینی (۱)، ساختار علم تجربی و امکان دینی**. قم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۳. پارسانیا، حمید. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.

۴. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۲. الگو و راهبرد تحول در علوم انسانی، در: تحول در علوم انسانی، ج۲، مقالات. قم. کتاب فردا.

۵. پیروزمند، علیرضا. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.

۶. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۸۹. **تفسیر انسان به انسان**. محقق محمدحسین الهی‌زاده. قم. اسرا. چاپ پنجم.

۷. جوادی آملی، عبدالله. سخنرانی. ۵-۸-۱۳۹۳. http://www.mehrnews.com/detail/News/2246623.

۸. خاکی قراملکی، محمدرضا. ۱۳۹۲. «**عقل و وحی در هندسه معرفت دینی، بررسی نظریه آیت‌الله جوادی آملی**». در: تحول در علوم انسانی، ج۲، مقالات. قم. کتاب فردا.

۹. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.

۱۰. داوری اردکانی، رضا، ۱۳۸۲. سخنرانی، اشاراتی به وضع علوم انسانی در ایران، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، سخنرانی‌ها و میزگردها. قم. کتاب فردا.

۱۱. دنیوی، محسن و محمد میقاتی. ۱۳۸۲. تحول در علوم انسانی، ج۳، سخنرانی‌ها و میزگردها. قم. کتاب فردا.

۱۲. ذاکرصالحی، غلامرضا؛ ذاکرصالحی، امین. ۱۳۸۸. «تحلیل محتوای پیش‌نویس نقشه جامع علمی کشور و پیشنهاد الگوی ارزیابی آن». **فصلنامه علمی-پژوهشی، سیاست علم و فناوری**، سال دوم، شماره۲.

۱۳. رهداد، احمد. ۱۳۹۲. تأمل در بایسته‌های تولید علم دینی، در: تحول در علوم انسانی، ج۲، مقالات. قم. کتاب فردا.

۱۴. ریترز، جورج. ۱۳۷۵. **نظریه جامعه‌شناسی معاصر**. محسن ثلاثی. تهران. انتشارات علمی.

۱۵. سالاری، مهدی؛ کشفی، سید علی. ۱۳۹۲. اسلامی‌شدن علوم انسانی و اندیشه‌های ولی‌فقیه، در: تحول در علوم انسانی، ج۲. مقالات. قم. کتاب فردا.

۱۶. سوزنچی، حسین. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.

۱۷. ــــــــــــ ۱۳۸۹.**معنا، امکان و راهکارهای تحقق علم دینی**. تهران. پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

۱۸. قربانی، صابر.۱۳۸۸. «چیستی مدیریت دانش». **مجله کار و جامعه**. شماره ۱۱۶ و ۱۱۷.

۱۹. کچویان، حسین. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، دیدارها و مصاحبه‌ها. قم. کتاب فردا.

۲۰. کوئن، بروس. ۱۳۸۱. **درآمدی به جامعه‌شناسی**. محسن ثلاثی. تهران. توتیا.

۲۱. محمدی، علی؛ دنیوی، محسن؛ گودرزی، میثم. ۱۳۹۲. تحول در علوم انسانی، ج۲، مقالات. قم. کتاب فردا.

۲۲. ــــــــــــ۱۳۹۱.تحول در علوم انسانی، ج۳، مجموعه دیدارها و مصاحبه‌ها. قم.کتاب فردا.

۲۳. منصوری، شرمین. ۱۳۸۵.«مدیریت دانش». **ماهنامه صنعت خودروی، شماره ۱۰۲** .

۲۴. واسطی، عبدالحمید. ۱۳۹۱. مصاحبه، در: تحول در علوم انسانی، ج۳، دیدارها و مصاحبه‌ها ج۳. قم. کتاب فردا.

[Downloaded from frh.sccsr.ac.ir on 2026-11-01]

[DOR: 20.1001.1.2476745.1394.1.1.7.6]